

## در باره اهداف و مخاطرات جنگ نیابتی جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق

صفحه ۳

سیاوش دانشور

## یادداشتهای کوتاه

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

## از دواج کودکان زیر سن و

## تعرض جنسی به کودکان ممنوع!

صفحه ۶

سعید یگانه

## پیام تسلیت بمناسبت درگذشت خانم حاجیه سجودی

## در باره بیانیه مربوط به آزادی و برابری زن و مرد

مصوب کنگره نهم حزب حکمتیست

گفتگو با آذر ماجدی و سیاوش دانشور

## مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

مناسک "انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده در هم بکوبیم!

کمپین کمک مالی به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به حزب کمک مالی کنید!

۵۲۴

حکمتیست  
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۱۳ دی ۱۳۹۸ - ۳ ژانویه ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

حمله به سفارت آمریکا در بغداد

اهداف ارتجاعی و سرکوبگرانه

جمهوری اسلامی را به شکست بکشانیم!

امروز سه شنبه دهم دیماه برابر با ۳۱ دسامبر، نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در پاسخ به بمباران مقرهای این نیروها در عراق و سوریه توسط دولت آمریکا در روز یکشنبه، به سفارت آمریکا در بغداد حمله کردند، دیوار آن را آتش زدند و وارد محوطه سفارت شدند. نیروهای کتائب حزب الله و حشدالشعبی روی دیوار سفار آمریکا نوشتند: "سلیمانی رهبر من است!!" بلافاصله دونالد ترامپ جمهوری اسلامی را سازماندهنده حمله به سفارت آمریکا در بغداد دانست، انتظار از دولت عراق برای محافظت از سفارتخانه آمریکا را طرح کرد و درگیری لفظی و تهدیدها از هر سو تشدید شد.

اقدام امروز جمهوری اسلامی در بغداد کاریکاتوری از تکرار ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در تهران با همان اهداف ارتجاعی و سرکوبگرانه است. حمله به سفارت آمریکا و اشغال آن و گروگانگیری در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ یک گوشه سیاست سرکوب انقلاب ایران بود. امروز نیز جمهوری اسلامی در عراق و ایران و لبنان زیر فشار خیزشهای توده ای و انقلابی است. در شرایطی بسیار

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیام تسلیت بمناسبت درگذشت خانم حاجیه سجودی



متأسفانه مطلع شدیم که خانم حاجیه سجودی، مشهور به "مادر قائدی"، روز سه شنبه بعدازظهر ۱۰ دیماه ۱۳۹۸ در تهران چشم از جهان فرو بست. خانم حاجیه سجودی یک شخصیت خوشنام و مبارز و از مادران خاوران بود. او تا واپسین لحظات داغ اعدام دو فرزندش، کمونیست‌های برجسته رفقا جواد قائدی و صادق قائدی و منیره هاشمی رفیق و شریک زندگی جواد قائدی که توسط جمهوری اسلامی در دهه شصت اعدام شدند را بدوش می کشید. خانم حاجیه سجودی تا قبل از بیماری در ماههای اخیر که وی را خانه نشین کرد، همواره در خاوران حاضر بود. او از صداهای رسای خانواده های جانباختگان بود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست درگذشت خانم حاجیه سجودی را به رفیق مرسته قائدی و خانواده و بستگان و به خانواده های جانباختگان صمیمانه تسلیت میگوید. یاد عزیزش گرامی است!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ دیماه ۱۳۹۸ - ۱ ژانویه ۲۰۲۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا

کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

## حمله به سفارت آمریکا در بغداد

اهداف ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را به

شکست بکشانیم ...

متفاوت، اینبار جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی است که مورد اعتراض و نفرت است و بارها دفاتر و سفارت و مراکز آن در شهرهای ایران و عراق به آتش کشیده شده است. در چنین اوضاعی درگیری محدود و نیابتی در منطقه با آمریکا برای جمهوری اسلامی بشدت وسوسه انگیز است و "مانده آسمانی" محسوب میشود. امروز جمهوری اسلامی در سطح منطقه مورد یورش است و به ایجاد فضای جنگی و نظامی خیلی علاقه دارد. هدف جمهوری اسلامی از تشدید تخاصم با آمریکا سرکوب همزمان تحرکات توده ای در عراق و در ایران، رسیدن به شرایط بهتری برای مذاکره و بند و بست با آمریکا و تغییر صورت مسئله در منطقه است. دولت آمریکا نیز اهداف ارتجاعی و ضد روندهای پیشرو در منطقه را دنبال میکند. آمریکا بدنبال "تغییر رفتار" رژیم و معامله با آنست. اهداف ارتجاعی درگیری نظامی آمریکا و نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی علیه مبارزات مردم در عراق و ایران و منطقه است.

مردم بیباخته در عراق امروز از التحریر بغداد بدرست پیام دادند که کشمکش نیروهای اسلامی با آمریکا به آنها ربطی ندارد و آنرا کشمکشی ارتجاعی با اهداف ارتجاعی میدانند. همان ارتجاعی که از بغداد تا تهران مردم آزادیخواه علیه آن بمیدان آمدند. امروز نه "مرگ بر آمریکا"، نه سیاست بند و بست دولتهای دست راستی با جمهوری اسلامی و تلاش برای "تغییر رفتار آن"، و نه دلخوشی و شغف اپوزیسیون راست به سناریوی جنگی، به اهداف انقلابی و آزادیخواهانه مردم در ایران و عراق و منطقه ربط ندارد. کارگران و مردم آزادیخواه و انقلابی در ایران و عراق برای سرنگونی حکومتهای فاسد و دست پروده همین آمریکا و دول غربی، علیه جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی و نیروهای صفوف ارتجاع طائفی بمیدان آمدند. مردم آزادیخواه و انقلابی ایران خود را همراه و در کنار آزادیخواهان و انقلابیون در التحریر میدانند. هدف جمهوری اسلامی و نیروهای ارتجاعی موئلف آن از سیاست جنگ و درگیری منطقه ای، شکست و درهم کوبیدن جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلب است و هدف واحد ما نیز سرنگونی دولتهای اسلامی و طائفی و به شکست کشاندن سیاستها و اهداف ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

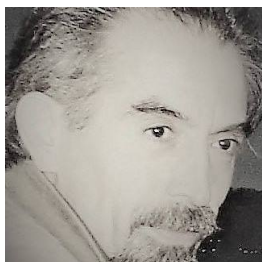
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ دیماه ۱۳۹۸ - ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹

مرگ بر جمهوری اسلامی!



## در باره اهداف و مخاطرات جنگ نیابتی جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق

**کمونیسٹ ہفتگی:** اعلامیہ حزب در بارہ حملہ بہ سفارت آمریکا در بغداد توجہ را بہ شکست دادن سیاستہای جمهوری اسلامی میدہد. چرا؟ تحلیل حزب از این واقعہ چیست؟

**سیاوش دانشور:** حملہ روز سہ شنبہ دہم دیماہ بہ سفارت آمریکا در بغداد توسط وابستگان جمهوری اسلامی، در واقع پاسخ بہ بمباران مراکز کتائب حزب اللہ و زیر مجموعہ ہای حشد الشعبی در عراق و سوریہ توسط دولت آمریکا در روز یکشنبہ ہشتم دیماہ است. اقدام دولت آمریکا و بمباران مقرہای فرماندہی کتائب حزب اللہ عراق نیز در پاسخ بہ شلیک راکتہای کاتیوشا بہ پایگاہ "کی. ۱" در کرکوک توسط این جریان در جمعہ ششم دیماہ صورت گرفتہ کہ طی آن یک پیمانکار آمریکائی کشتہ شد. دولت آمریکا مدعی است کہ نیروہای وابستہ بہ جمهوری اسلامی چندین بار با راکت بہ مراکز و پایگاہہائی کہ سربازان و نیروہای آمریکائی نیز در آن حضور دارند، حملہ کردند و اینبار باید پاسخی مناسب بہ آنها دادہ میشد.

جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی و در جامعہ در موقعیت بسیار شکنندہ ای است و نیاز دارد فیلی ہوا کند. نوعی جنگ بیرون مرزہای ایران برایش بشدت وسوسہ کنندہ است. یک هدف اقدامات تروریستی در منطقہ مانند حملہ بہ کشتیہای تجاری یا حملہ پھپادی بہ آرامکو، حملہ راکتی و موشکی بہ مقرہائی در عراق و یا پرتاب موشک بہ اسرائیل از بلندبہای جولان، رسیدن بہ تعادل و توافق با آمریکا در منطقہ است. اما اقدام و تحرکات اخیر نیروہای وابستہ بہ جمهوری اسلامی بروشنی با رویدادہای سیاسی جاری در عراق و در ایران مربوط است. هدف جمهوری اسلامی مقابلہ با این جنبشہای عظیم سرنگونی طلب و سرکوب آنست. برعکس جمهوری اسلامی، دولت آمریکا لاقلاً در مقطع کنونی، دنبال جنگ و تشدید تنش با جمهوری اسلامی نیست و مستقیم و غیر مستقیم برای مذاکرہ و توافق پیام میدہند. آمریکا نمیخواہد در زمینی کہ جمهوری اسلامی تعیین میکند بازی کند و بیشتر روی خط "اعمال فشار حداکثری" اقتصادی و دیپلماتیک تلاش میکند جمهوری اسلامی را پای میز مذاکرہ بنشانند. این تشدید تنش و اهداف ارتجاعی طرفین آن تماماً در مقابل اهداف و سیاستہای مردم بپاخاستہ در عراق و ایران و منطقہ است.

برای ما کہ خود را با اهداف طرفین این کشمکش در تناقض و تضاد می بینیم، برای مردم آزادیخواہ و انقلابی در عراق و ایران کہ علیہ سلطہ حکومتہای استبدادی و اسلامی و طائفی بپاخاستہاند، مسئلہ تشدید تنش مابین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا مانند پارازیتی بر روندہای واقعی است و ہدفی جز تغییر صورت مسئلہ سیاست در این کشورہا را ندارد. صورت مسئلہ واقعی عبارت از سرنگونی کل حکومت طائفی دستپخت آمریکا در عراق و کل حکومت اسلامی در ایران است. جمهوری اسلامی زیر فشار این موج انقلابی در منطقہ کہ

اساس قدرتش را از بیروت و بغداد تا تہران مورد ہدف قرار دادہ است، برای مواجہہ با پس لرزہہا و امواج جدید و قریب الوقوع جنبش آبنامہ در داخل کشور و سرکوب اعتراضات تودہای در عراق، نیاز بہ یک فرار بجلو دارد. نیاز دارد کہ فضا را بخشاً بنفع خود برگرداند، آمریکا را وادار کند تا فشار تحریمہا را کم کند، شرایط بہتری را برای مذاکرہ و بند و بست فراہم کند، در داخل کشور شرایط فوق العادہ و جنگی برقرار کند، سیاست سرکوب را تحت الشعاع تبلیغات جنگی قرار دہد، فضای ضد آمریکائی و بدرجہای ناسیونالیستی را جایگزین فضای ضد حکومت اسلامی و ہمبستگی منطقہای و مبارزاتی مردم کارگر و زحمتکش کند. ما این اهداف را ارتجاعی و ضد منافع مردم بپاخاستہ در عراق و ایران میدانیم. هدف ما نور انداختن روی این تلاش حکومت اسلامی در ایران و منطقہ و شکست دادن این سیاست است.

این اولین بار نیست کہ بہ نیروہای طرفدار جمهوری اسلامی و تحت فرماندہی قاسم سلیمانی حملہ میشود. دہہا و بروایتی صدها حملہ ہوائی و موشکی توسط دولت اسرائیل در سوریہ بہ نیروہای جمهوری اسلامی صورت گرفتہ و تاکنون رژیم اسلامی حتی بروی خود ہم نیاوردہ است. اگر جمهوری اسلامی در مقابل این بمباران مشخص دولت آمریکا واکنش نشان میدہد و بلافاصلہ در رسانہہا لفاظیہای جنگی شروع میشود، دلیلی جز نیاز جمهوری اسلامی بہ یک راہ فرار از اوضاع داخلی و برگرداندن سرہا بہ سمت شرایط جنگی جدید در بیرون ایران ندارد. در شرایطی کہ جمهوری اسلامی در سطح منطقہ زیر ہجوم و فشار مردم بپاخاستہ است، دادن نفس تصویر رودرونی با آمریکا از طریق جنگ نیابتی برایش اهمیت دارد. لاقلاً در این زمان مشخص، دولت آمریکا سیاست جنگ با جمهوری اسلامی و سرنگونی آنرا دنبال نمیکند بلکہ سیاست اعلام شدہ اش را "تغییر رفتار" رژیم قرار دادہ است. "تغییر رفتار" رژیم از نظر آمریکا چیزی جز پایان دادن بہ این تحرکات حکومت اسلامی در کشورہای منطقہ و رسیدن بہ توافق کلانتر نیست. مضافاً اینکہ تہاجم بہ جمهوری اسلامی در عراق بہ اوج رسیدہ است. سران دولت عراق و وابستگان جمهوری اسلامی میخواہند با دامن زدن بہ احساسات ضدآمریکائی این روند را معکوس کنند. این تلاشہا شاید بعنوان مُسکن عمل کند و یا موقتاً اغتشاش ایجاد کند، اما از آنجا کہ با منافع واقعی و مبارزہ آزادیخواہانہ کارگران و مردم در عراق و ایران بی ربط ہستند، جایی پیدا نمیکند.

وارد شدن نیروہای حشدالشعبی بہ منطقہ امنیتی سبز با ہمکاری دولت عراق و تہاجم بہ ساختمان بیرونی سفارت آمریکا، کاریکاتوری از تکرار ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و اشغال سفارت آمریکا در تہران بود. آن حرکت گوشہای از سناریوی سرکوب انقلاب ۵۷ بود و این حرکت در شرایطی تماماً متفاوت و در زمانی کہ جنبش اسلامی در منطقہ توسط مردم آزادیخواہ و انقلابی پس زدہ میشود، تلاشی برای تغییر صورت مسئلہ و بازپسگیری سنگرہای از دست رفتہ است. این ماجرا با

افراد، جنایت علیه مردم بی‌دفاع و غیره که به پرنسپ‌های آزادیخواهانه و برنامه کمونیستی ما مربوطند و از منافع و اهداف جنبش طبقه ما ناشی میشوند، اتومات قابل محکوم کردن است. اما اینکه فلان شیخ طالبان به فلان خلیفه داعش حمله کند یا خامنه‌ای در تهران خاتمی را گاز بگیرد، محکومیتی از جانب ما نمیخواهد.

**کمونیسیت هفتگی:** این کشمکش چقدر پتانسیل دارد به یک رویارویی مستقیم بدل شود؟ آیا طرفین نیاز به جنگ دارند؟

**سیاوش دانشور:** نه، بنظر من این امکان بسیار بسیار محدود است. اوضاع منطقه پیچیده است، دولتها و ائتلافهای متعددی وجود دارند و هرکدام منافع خود را دنبال میکنند. مسئله جنگ فرضی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا به این دو کشور نمیتواند محدود بماند و به جنگی وسیع و همه جانبه در منطقه بدل میشود. جنگی مانند حمله آمریکا به عراق نه ضروری است و نه هیچکدام علاقه و رغبتی به آن دارند. اصولاً در جنگهای امروز دیگر نیازی به این نوع لشکرکشی زمینی ندارند. همینطور سیاست آمریکا در مقطع کنونی سرنگونی جمهوری اسلامی نیست بلکه تحمیل تعادلی جدید به رژیم اسلامی است، دنبال توافقی همه جانبه‌تر با آنست. اینکه این پروسه برای طرفین با موانع و زمان بسیار روبرو شده است، بخشاً و اساساً به تناقضات هویتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برمیگردد و بخشاً ریشه در تناقضات پایه‌ای‌تر منطقه با جهان امروز، در مسائل قدیمی و حل نشده، در بی شکلی کنونی خاورمیانه و تقابلهای امروزی آن دارد. همه اینها به جمهوری اسلامی محدودیت و امکان مانور میدهد. امروز برای جمهوری اسلامی نوعی جنگ در خدمت بقا است، اما این جنگ روبرویی مستقیم با آمریکا و حتی اسرائیل نیست. سیاست جمهوری اسلامی در این جنگهای نیابتی اینست که توسط وابستگان سپاه قدس دست به عملیات بزند و مسئولیت آنرا بعهده نگیرد. این نوع جنگ در منطقه و در سطح کشورها دیگر به ابزاری در دست فراکسیونهای بورژوائی برای اعمال فشار به رقبای داخلی و منطقه‌ای بدل شده است. جمهوری اسلامی و دولت‌های عراق و عربستان و سوریه و دیگران از همین روش استفاده میکنند و همه هم دست همدیگر را میخوانند.

**کمونیسیت هفتگی:** این نوع کشمکش‌ها مبارزه توده ای و انقلابی در ایران و عراق را با چه مخاطراتی روبرو میکند و در قبال آن چه سیاستی را باید دنبال کرد؟

**سیاوش دانشور:** هدف بلافصل اقدامات حکومتی‌ها و نیروهای نظامی و امنیتی‌شان وارد کردن یک شوک و تغییر فضای جامعه به نفع خودشان است. مردم در عراق در التحریر از روز اول گفتند و نوشتند هیچکدام از جناحهای دولتی عراق و نیروهای مذهبی را نمیخواهد و با سیاستهای دولتهای آمریکا و عربستان و جمهوری اسلامی نیستند. التحریر معلوم است چه میگوید. نیروها و جناح‌های دولت عراق اما با صدور اعلامیه‌های مختلف علیه دخالت آمریکا، تلاش دارند روح سرگردان ناسیونالیسم عرب را غلغلک دهند. هواداران جمهوری اسلامی ضد آمریکائی‌گری را برجسته میکنند. دولتها بخط میشوند و بسته به تعلقشان به بلوک‌بندی‌های منطقه ای و جهانی یکطرف را محکوم میکنند. اینها قرار است جای جنبش همبستگی در بیروت و بغداد و تهران را بگیرد. قرار است دولت عراق به کمک جمهوری اسلامی بیاید و هردو که زیر فشار مردم‌اند با ضدآمریکائی‌گری عده ای را مشغول

## در باره اهداف و مخاطرات جنگ نیابتی

### جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق ...

اعلامیه رهبری حشدالشعبی در روز چهارشنبه یازدهم دیماه "برای متفرق شدن هواداران آنها در اطراف سفارت آمریکا و احترام به قوانین دولت عراق"، نهایتاً به نمایشی مضحک از برسمیت شناسی دولتی منجر شد که حیطه قدرتش از همین گزین زون فراتر نمیرود و حکم سرنگونی‌اش کمی آنطرف‌تر از التحریر شنیده میشود.

**کمونیسیت هفتگی:** آیا مواضع سران حکومت عراق علیه آمریکا در مورد حمله به مراکز حشد الشعبی را میتوان موفقیت سیاست جمهوری اسلامی تلقی کرد؟

**سیاوش دانشور:** مواضع تند فراکسیونها و سران دولت عراق در مورد بمباران "نیروهای ارتش عراق" توسط آمریکا و یا تقاضا برای "تجدید بررسی در توافق نامه‌های امنیتی"، ظاهراً بدرجه‌ای بنفع رژیم اسلامی عمل کرده است. اما این مواضع قبل از اینکه در خدمت اهداف جمهوری اسلامی و یا دفاع از حشدالشعبی تحت پوشش ارتش عراق باشد، بیشتر تلاش دارد با دامن زدن به ناسیونالیسم عربی و دادن انسجامی به بحران از هم گسیختگی قدرت فائقه، برای تغییر فضای سیاسی کنونی در عراق تلاش کند. وقتی سرها به سمت آمریکا برگردد، جمهوری اسلامی و متحدین حکومتی‌اش در عراق بدرجه‌ای از زیر فشار پائینی‌ها رها میشوند. در هر حال هرچا فشار انقلابی از پائین کم شود و اذهان به سمت موضوع فرعی و یا واقعی اما بی ربط به منافع و مبارزه مردم برگردد، بدون شک دولتها و جریان‌های ارتجاعی اعم از دولتهای عراق و جمهوری اسلامی تا جریان‌های متفرقه اسلامی از آن سود خواهند جست. حرف ما اینست که مردم انقلابی و بی‌باکسته در عراق و ایران این تمهیدات و سیاستهای ارتجاعی را بشکست بکشانند. همان روز از التحریر پیامی منتشر شد که اهداف کشمکش طرفین ارتجاعی است و ربطی به مبارزه آنها ندارد.

**کمونیسیت هفتگی:** چرا حزب حمله هوائی به نیروهای حشدالشعبی و یا حمله نیروهای جمهوری اسلامی به سفارت آمریکا را محکوم نکرده است؟

**سیاوش دانشور:** هیچ دلیلی برای محکومیت نمی بینیم. هیچکدام از طرفین و اقداماتشان به ما و جنبش طبقه ما و مبارزه کارگران و آزادیخواهان و نسل جوان انقلابی در عراق و ایران ربط ندارند. وانگهی ما سازمان ملل نیستیم، حافظ قوانین بین‌المللی نیستیم، نگهبان مقر و سفارت اینها نیستیم و در جدال این دو کمپ ارتجاعی جانبدار یک طرف نیستیم. برای نیرو و حزب سیاسی‌ای که بیرون اینهاست و از موضع اجتماعی متمایزی حرف میزند، محکومیت هیچ موضوعیتی ندارد. محکومیت بمباران حشدالشعبی ما را کنار خامنه ای و سران دولت عراق میگذارد و محکومیت حمله به سفارت آمریکا ما را در کنار عربستان و ترامپ. ما ماهیت و اهداف کشمکش این دولتها و نیروهای متفرقه تروریستی را ارتجاعی میدانیم و برای تغییر این اوضاع بیدان آمده‌ایم. یک سری مسائل مانند تروریزه کردن زندگی



## یادداشت‌های کوتاه

رحمان حسین زاده

"گرانی هست، ولی قحطی نداریم!"

این گفته یک ژورنالیست قصی القلب و یا یک ناظر ساده لوح نیست. این جزو گستاخ گویبهای اخیر، روحانی رئیس دولت جمهوری اسلامی است. ایشان در شهر اردبیل با خونسردی حیرت انگیزی گفته‌اند؛ "هر چند قیمت برخی کالاها در ایران بالا رفته، اما کشور دچار قحطی نشده است!" با بیشرمی بی نظیر میگویند؛ "همین که قحطی نیست، خوبه! کوتاه بیاوید و گرانی نرمال است و تحمل کنید". به قول معروف "به مرگ میگیرمیتان تا به تب راضی باشید". اما کور خوانده اند مردم منجر از فقر و تبعیض و گرانی و بیکاری و جمهوری اسلامی تصمیم دیگری گرفته اند. گرانی و فقر و بیکاری جزو بزرگترین تباهی‌های تحمیل شده به مردم ایران حداقل در نیم قرن اخیر است. فاجعه ای که کارگر و توده مردم برای مقابله با آن از جان شیرین خود مایه میگذارند، با مشت‌های گره کرده و سینه سپر کرده در صف‌های اعتراضی هزاران نفره به جنگ مسببین آن، یعنی سران جمهوری اسلامی و نظامشان رفته‌اند. سردمداران به هراس افتاده جمهوری اسلامی و عنصر هفت خط سیاسی چون روحانی جبون، بدون اینکه خم به ابرو بیاورد، عمادانه و هدفمند اینچنین رنج و محنت روزمره زندگی یک جامعه ۸۰ میلیونی را بدون هیچ شرمی عادی و فرعی بر زبان میاورد، تا آن را به عنوان پدیده فرعی و عادی به جامعه قالب کنند!! اما پاسخ مردم "نه" قاطع و بزرگ به تعرض معیشتی و کل بساط ستم و فقر و تبعیض و استثمار و سرکوب آنان است. نبردهای قهرمانانه و توده ای بالاتر از صد شهر ایران در دیماه ۹۶ و در آبانماه ۹۸ و شانزده آذر سرخ امسال و هزاران اعتصاب کارگری و اجتماعات اعتراضی معلمان و بازنشستگان و پرستاران و مالباختگان و رانندگان کامیون و دیگر زنان و مردان و نسل جوان معترض در همین دو ساله اخیر و تداوم قابل مشاهده آن صحنه های درخشان مبارزات برحق علیه همین بساط فقر و تبعیض و بانی آن جمهوری اسلامی و خامنه ای و کل بنیاد و پایه ها و دم و دستگاه اداری و نظامی آن تا نابودی حاکمیت شان است.

همین یک جمله سبعانه روحانی معرف کارنامه سراپا ضد انسانی و سیاه جمهوری اسلامی در آستانه چهل و یکمین سال به قدرت رسیدن این رژیم هار سرمایه علیه مردم است. در پس این گفته روحانی اما یک نکته را باید جدی گرفت. آن هم با تداوم حکومت جمهوری اسلامی، بلای خانمانسوز قحطی هم در چشم انداز است. این واقعیتی است که مردم جان به لب رسیده و معترض با گوشت و پوست لمس کرده و برای پرهیز از چنین آینده خطرناکی با جسارت به میدان آمده اند. جنبش سرنگونی و ما نیروهای سرنگونی طلب قاطع و کمونیست به روحانی و خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی گوشزد میکنیم، با عزم و اراده آگاهانه و سازمانیافته متکی به طبقه کارگر و

مردم آزادیخواه سرنگونشان میکنیم و اجازه نخواهیم داد علاوه بر گرانی و فقر، قحطی را بر جامعه ایران تحمیل کنند. نظم جهانی گرانی و فقر را بر سرشان خراب کنیم.

مبارزات مردم عراق نشانه است!

در عکس العمل به حضور نیروهای جریان اسلامی و تروریست حشدالشعبی و یورش آنها به سفارت دولت آمریکا در منطقه سبز بغداد، مردم معترض از بصره تا میدان تحریر بغداد به درست و به روشنی تاکید کردند؛ "از ما نیست کسی که وارد منطقه سبز شود". مهمتر فعالان آگاه این مبارزات گسترده سه ماهه اخیر بغداد و بصره و شهرهای دیگر اعلام کردند؛ "با آنچه احزاب هیئت حاکمه در منطقه سبز بیان کرده اند، ارتباط ندارند". مردم مبارز و فعالین آگاه خوب میدانند در پس ماجراجوییهای نظامی و تحرکات غیر نظامی جمهوری اسلامی و جریانات تروریست وابسته آن در مقابل دولت آمریکا، طرح و نقشه بزرگ به شکست کشاندن مبارزات مردم عراق خوابیده است. در واقع مانورهای نظامی و تحرکات مقابل سفارت آمریکا بهانه است، تقابل با مبارزات مردم عراق و ایران نشانه است. حشد الشعبی دست ساز جمهوری اسلامی و دیگر جریانات اسلامی و تروریست گرد آمده در هیئت حاکمه عراق نزدیک به سه ماه است، با کشتن و ترور مبارزین و آدم ربایی در بغداد و دیگر شهرها، با انواع وعده ها و مانورها و استعفاها و عقب نشینی های مقطعی نتوانسته اند اراده به میدان آمده میلیونها انسان تشنه آزادی در عراق را سد کنند. اکنون میخواهند با ماجراجویی نظامی و جنگهای نیابتی و غیر نیابتی حاکمیت اسلامی در عراق و ایران را از گردابی که در آن گرفتار آمده‌اند، نجات دهند. اما مساله مهم اینست، مردم و فعالان آگاه و مبارز با تشخیص درست گام مهمی در مسیر خنثی کردن این توطئه و مانورها برداشته اند. مردم میدانند تروریسم اسلامی به قدرت رسیده در عراق که پیکره اصلی هیئت حاکمه فاسد این کشور است، خود محصول اشغالگری و سیاستهای تماما ضد انسانی دولت آمریکا و بریتانیا و دیگر متحدان مرتجع جهانی و منطقه ای آن در سال ۲۰۰۳ است.

در این سالها و در همین سه ماه اخیر دولتهای آمریکا و جمهوری اسلامی و وابستگان آنها اتفاقا در حفظ وضع موجود و حفظ هیئت حاکمه سناریو سیاهی سرهم بندی شده در عراق ذینفعند. هر دو طرف به شیوه خود و گاه همدست و همسو برای به شکست کشاندن خیزش (انتفاضه) عظیم مردم عراق طرح و توطئه میچینند. درگیر شدن نظامی و غیر نظامی کنونی آنها عمدتا در خدمت این هدف است و دیگر اهداف ارتجاعی آنها فرعی تر و حاشیه ای تر است. مردم هوشیار مخاطرات این کشمکش ضد مردمی را به خوبی لمس کرده و با اعلام سیاست شفاف خود برای خنثی کردن این مخاطرات آستین بالا زده‌اند. در این تند پیچ سیاسی مهم مبارزات برحق مردم عراق بیش از پیش به حمایت همسرنوشتان خود در ایران و منطقه و سراسر جهان نیازمند است.

\*\*\*

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



## ازدواج کودکان زیر سن و تعرض جنسی به کودکان ممنوع!

سعید یگانه

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قوانین ضد کودک و تعرض جنسی به کودکان است. مجلس شورای اسلامی سال قبل با وجود اعتراض های اجتماعی به نادیده گرفتن حقوق کودک، لایحه افزایش سن ازدواج را رد کرد و بار دیگر بر قوانین کودک آزاری و تعرض جنسی به کودکان در جمهوری اسلامی صحنه گذاشت. به تازگی "دفتر بررسی های امورات حقوقی معاونت رئیس جمهوری در مورد زنان و خانواده " لایحه کودک همسری را تصویب و حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین کرده است. با تصویب این قانون از این به بعد دیگر هر نوع موانع قانونی بر سر راه ازدواج کودکان برداشته می شود و احتیاج به اجازه دادگاه هم نیز نمی باشد. البته بدون تصویب این قانون، ازدواج کودکان زیر سن به همین منوال جاری بوده و از بدو سر کار آمدن جمهوری اسلامی عمل کرده و پدیده تازه ای نیست. کودک آزاری و تعرض به حقوق کودک یکی از چهره های پلید و تنفر برانگیز جمهوری بوده و هست و عواقب بسیار زیانباری برای کودکان در برداشته است. بر طبق این قوانین اسلامی تاکنون هزاران کودک و دختر بچه های ۱۰ ساله قانونا و با اجازه دادگاه ازدواج داده شده اند. با افشای یک مورد آن، ازدواج دختر بچه ای ۱۰ ساله با یک جوان ۲۵ ساله در ماههای گذشته در مدیای اجتماعی اعتراض وسیعی را علیه کودک آزاری جمهوری اسلامی و تعرض جنسی به کودکان دامن زد و افشا کرد. عمق فضااحت آنچنان بود که دادگاه ناچار شد رسماً این ازدواج را منتفی اعلام کند.

و این تنها مورد نیست. طبق آمار رسمی در حکومت جمهوری اسلامی تاکنون بیش از یک میلیون کودک ازدواج داده شده اند. در این آمار بیش از ۸۰۰ هزار دختر بچه زیر ۱۴ سال سن داشته اند. طبق آمار رسمی اداره ثبت و احوال در یک دهه اخیر بیش از ۴۰۰ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال رسماً طی معامله ای ازدواج داده شده اند. بیشتر از یک چهارم ازدواجهای ثبت شده مربوط به کودکان زیر سن است. برطبق آمار رسمی از سال ۹۲ تا ۹۶ هزار دختر بچه زیر ۱۰ سال و در همین مدت ۱۹۳ هزار دختر بچه زیر ۱۴ سال ازدواج داده شده اند و ازدواج کودکان توسط آخوندها و مبلغان مذهبی مرتب تبلیغ و با دلایل شرعی و اسلامی آن را مشروع و عادی جلوه می دهند. آمارهای رسمی جمهوری اسلامی هیچوقت قابل اتکا نبوده و آنچه در جامعه جاری است خیلی فاجعه بارتر از آنچه هست که رسماً و علنی اعلام می شود. مطالبی خواندم در رابطه با پدیده "خرید سن". برای رسمی کردن ازدواج دختر بچه های زیر ۱۳ سال، دلالتان با پرداخت پول به کارمندان دادگاه مجوز ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال را صادر و به آن رسمیت قانونی می دهند.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قوانین ضد کودک و کودک آزاری در

جامعه ایران است. وجود جمهوری اسلامی در حاکمیت دست مذهب و قوانین و شرع اسلام را در تعرض به جسم و جان کودکان باز گذاشته و هر روز بیشتر از کودکان قربانی می گیرد. هزاران آخوند و طلبه و امکانات مادی وسیعی را صرف سازماندهی تولید خرافه و مزخرفات اسلامی کرده اند تا این قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی را عادی و به فرهنگ



جامعه تبدیل کنند. پدوفیلی اسلامی، کودک آزاری و تعرض جنسی به کودکان یکی از چهره های کریه اسلام و جمهوری اسلامی است که به درازای عمر این رژیم مرتجع و ضد زن و ضد کودک جاری بوده و عمل کرده است. درست است که هنوز بخشی کوچکی از جامعه به این فرهنگ و رسوم، ازدواج کودکان، ازدواجهای اجباری و فرهنگ ضد زن عادت داده شده و حتی از سر فقر و نداری به آن تن می دهند، اما عملکرد این سنن و قوانین ارتجاعی و تداوم آن را باید از چشم جمهوری اسلامی و حاکمیت دید که با همه امکانات قانونی و تبلیغاتی در حفظ آن می کوشند.

جنبش آزادیخواهی در ایران، نه تنها علیه کودک آزاری که به درازای عمر جمهوری اسلامی علیه قوانین و سنن ارتجاعی اسلامی، فرهنگ و عرف و عادت مردسالارانه و زن ستیزانه و تبعیض آمیز علیه جمهوری اسلامی جنگیده و زیر بار این قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی نرفته است. دهها فعال اجتماعی و مدافع حقوق کودک و زن هم اکنون به جرم آزادیخواهی و دفاع از حقوق مسلم کودکان و نه گفتن به قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی در زندانها به سر می برند و به حبس طولانی مدت محکوم شده اند. نرگس محمدی یکی از زندانیان مدافع حقوق کودک است که هم اکنون در زندان به سر می برد و در روزهای گذشته بعد از رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی در اعتراضات آبانماه در اعتراض به کشتار مردم با تعدادی از زندانیان سیاسی دست به اعتصاب زد و با ضرب و شتم توسط نیروهای امنیتی به زندان زنجان تبعید شد.

کودک آزاری و تعرض جنسی به کودکان همانند هر پدیده ای دیگر در جمهوری اسلامی با وجود مبارزه و اعتراض و مقابله با این قوانین هنوز جاری و عمل می کنند. مردم نه تنها از دست فقر و فلاکت و نداری به تنگ آمده اند بلکه از استبداد مذهبی و اختناق فرهنگی، تبعیض و کودک آزاری و زن آزاری نیز به تنگ آمده اند. خیزش انقلابی مردم، جوانان به تنگ آمده از این وضعیت که با سببیت تمام توسط حکومت جمهوری اسلامی به خون کشیده شد، علیه همه اینها بود. علیه فقر و فلاکت بود. علیه کودک آزاری و قوانین و فرهنگ ضد زن در جمهوری اسلامی بود. برای آزادی و رفاه و خلاصی از اسلام و جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی تصور می کند با کشتار مردم و به خون کشیدن جوانان می تواند بقای خود را تضمین کند، اما خیزش انقلابی آبانماه به تمامی نشان داد که جامعه می خواهد از کلیت رژیم اسلامی سرمایه بگذرد و او را به گور بسپارد.

ناخشنودی مردم از این رژیم حد و مرزی ندارد. حداقل اکثریت مردمی که برای نان شب محتاجند و روز به روز به نابودی سوق داده می شوند سرسازش با این رژیم جنایتکار و قاتل فرزندان مردم را نخواهند داشت.

## در باره اهداف و مخاطرات جنگ نیابتی

### جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق ...

کنند. هم در ایران و هم در عراق نباید این فرصت را به آنها داد. گسترش مبارزه بر علیه حکومت‌های فاسد و مستبد و تقویت همبستگی منطقه‌ای و بین‌المللی کارگران و مردم بپاخاسته، جواب مسئله است. مردم عراق علیه حکومتی بپاخاستند که حاصل جنگ آمریکا در عراق است. دولتی که بدرجات مختلف متحد جمهوری اسلامی است. نفس حضور جنبش توده‌ای در عراق و ایران و هدف قرار دادن مراکز جمهوری اسلامی، بیانگر اینست که مردم منطقه از روی پرچم ارتجاعی "ضد آمریکائی‌گری" جنبش اسلامی رد شده‌اند. این سیاست جواب نمی‌گیرد اما اغتشاش ایجاد میکند. قرار هم نیست جنبش ضد آمریکا در این کشورها راه بیافتد. هدف اینست که بحران جدیدی درست کنند تا به کمک آن بحران‌های واقعی را کنترل یا موقتاً عقب برانند. سیاست انقلابی در قبال این تشدید تنش نیروهای ارتجاعی، افشای اهداف ضد اجتماعی طرفین و گسترش مبارزه مستقل برای برچیدن سلطه حکومت‌های فقر و فساد و جنایت است.

\*\*\*

## ازدواج کودکان زیر سن و تعرض

### جنسی به کودکان ممنوع ...

بطور واقعی دیگر نه تنها برای پایان دادن به کودک آزاری و تعرض به جسم و جان کودکانمان، بلکه برای هر درجه از تغییر و بهبود زندگی مردم چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی و فرهنگی باید از روی جنازه این رژیم رد شد و به عمر آن پایان داد. عاقبت زندگی با جمهوری اسلامی پایانی جز سیاهی ندارد. خیزش انقلابی آبانماه را تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی باید ادامه داد و کار ناتمام را تمام کرد. مهلت بیشتر به جمهوری اسلامی به بهای سنگین تری برای مردم تمام خواهد شد. \*

## زندانی سیاسی

### آزاد باید گردد!

### کمپین کمک مالی به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## به حزب کمک مالی کنید!

### کمونیست ها، کارگران، مردم آزادیخواه!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، برای پروژهای سیاسی مشخص و تعیین کننده ای در ایندوران پرتلاطم نیازمند کمک مالی فوری است. حزب حکمتیست بعد از کنگره موفق نهم تلاش دارد به نیازهای مبارزه کمونیستی امروز و صف مبارزه رادیکال با جمهوری اسلامی پاسخ درخور دهد و این مبارزه را همراه با طبقه کارگر و کمونیست های ایران به پیروزی برساند. حزب پروژه های مختلفی را در دستور دارد و برای راه انداختن جدی آن نیازمند کمک مالی است.

حزب از هیچ دولتی کمک مالی دریافت نمیکند و متکی به همت اعضا و کادرها و دوستاناران خویش است. ما اعضا و کادرها و تشکیلاتهای حزب را فرامیخوانیم در دوره فشرده دو ماهه اول سال ۲۰۲۰ یک اولویت اساسی خود را روی سازماندهی جمع آوری کمک مالی بگذارند. همینطور کلیه اعضای حزب بویژه کادرها و اعضای رهبری حزب آغاز این کمپین را با پرداخت سهمیه فردی خود، حداقل ۵۰۰ یورو آغاز کنند. فراخوان ما اینست که سهم تان را به هر میزانی که برایتان مقدور است ادا کنید. توقع حزب اینست که در کمپین و تلاش مالی ما برای تحکیم و گسترش فعالیت حزب در ایندوره خطیر شرکت کنید و خود بعنوان فعال جمع آوری کمک مالی پیش بیافتید. نشریه هفتگی حزب، لیست کمک های دریافتی را اعلام میکند. کمکهای مالی را از طریق شماره حساب مرکزی حزب و یا از کانال تشکیلاتهای محلی حزب میتوانید به حزب حکمتیست برسانید.

### شماره حساب مرکزی حزب،

Norway  
Account number: 0532 1432 400  
Account holder: IKIR  
IBAN: NO57 0532 1432 400  
BIC: DNBANOKKXXXX  
Bank: DNB

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۳ دیماه ۱۳۹۸ - ۲ ژانویه ۲۰۲۰

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

## در باره بیانیه مربوط به آزادی و برابری زن و مرد

مصوب کنگره نهم حزب کمونیست

گفتگو با آذر ماجدی و سیاوش دانشور



**کمونیسست هفتگی:** تحلیل این بیانیه کنگره از موقعیت جنبش آزادی زن در ایران چیست؟ کدام افق امروز بر تحرک و مبارزه برسر حقوق و آزادی زن دست بالا را دارد؟

**سیاوش دانشور:** مسئله زن در ایران با دیگر کشورهای سرمایه داری تفاوت دارد. اینجا فقط تبعیض براساس جنسیت نیست که عمل میکند بلکه یک نظام آپارتاید جنسی حاکم است. لذا مبارزه برای برابری و رفع تبعیض بلاواسطه تقابلی با نظام حاکم، با اسلام و قوانین اسلامی بعنوان پرچم ایدئولوژیک آن، با حجاب اسلامی بعنوان سمبل فرودستی زن و صد البته با نقد ریشه های نابرابری زن و مرد در جامعه سرمایه داری گره میخورد. مضافاً اینکه کشمکش حکومت اسلامی با زنان و مقاومت و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه با حکومت از روز اول بقدرت رسیدن جریان اسلامی در جریان بوده است. جنبش آزادی زن یکی از سنگرهای ثابت نبرد علیه حکومت اسلامی بوده است و مسئله زن بعنوان بارومتر و شاخصی برای سیاست ایران عمل کرده است. به این اعتبار این جنبش مدعیان مختلفی داشته است. از خرده انتقادهای درون خانوادگی و اسلامی تا تلاش برای اثبات "رفع تناقض اسلام و حقوق زن"، از اصلاح طلبی اسلامی تا آویزان شدن به کنوانسیون حقوق زن سازمان ملل، در این سالها آمده و رفته است. آنچه که روشن است و خود حکومت نیز قبول کرده است، اینست که هر سال نسبت به سال قبل حکومت در مقابل تعرض زنان عقب رفته است. یعنی علیرغم انواع اقدامات سرکوبگرانه، گسیل ارتش ضد زن به خیابانها، اسید پاشی و تعدی فیزیکی به زنان، تهدید و جریمه و دستگیریهای گسترده، باز حکومت عقب رفته و زنان سنگرهای جدیدی را فتح کردند.

جامعه ایران عموماً و زنان خصوصاً سلطه قوانین اسلامی و تبعیض را نمی پذیرند و به کمتر از برابری زن و مرد قانع نیستند. برابری و رفع تبعیض، این افقی است که امروز بر جنبش آزادی زن حاکم است. حضور جسورانه زنان در قلمروهای مختلف و در جلوی صف مبارزات توده‌ای، رادیکالیسم و تقابل بی تخفیف با آپارتاید و جداسازی جنسیتی، ایستادگی در مقابل نیروی سرکوب و اوباش ضد زن، از توقع و

**کمونیسست هفتگی:** کنگره نهم حزب بیانیه ای با عنوان؛ "سرنگونی انقلابی حکومت آپارتاید جنسی گام اول تحقق برابری زن و مرد" تصویب کرد. چهارچوب سیاسی این بیانیه چیست؟

**آذر ماجدی:** "مسئله زن" تاریخاً یک مساله اجتماعی - سیاسی مهم در جوامع سرمایه داری بوده است. جنبش های اجتماعی وسیع و مهمی برای آزادی و برابری زنان طی تاریخ شکل گرفته است. اما در ایران علاوه بر این وجه عمومی، مساله زن یک بعد سیاسی مهم نیز داراست. با قدرت گیری رژیم اسلامی در ایران و استقرار یک نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی و برافراشتن حجاب اسلامی بمثابة بیرق سیاسی این رژیم، مساله زن به راس مسائل مهم سیاسی جامعه عروج کرد.

از اولین روزهای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی یک جنبش وسیع و توده ای آزادی زن در جامعه تولد یافت. اولین اعتراض توده ای علیه رژیم اسلامی توسط زنان و علیه حجاب اسلامی شکل گرفت. چهل سال است که جنبش آزادی زن بعنوان یک ستون مهم اعتراض و مقاومت علیه رژیم اسلامی به حیات خود ادامه داده است و این نظام جنایتکار و ارتجاعی را به مصاف طلبیده است. یورش وحشیانه به زنان برسر حجاب و استقرار قوانین قرون وسطایی اسلام به یک وجه دائمی این نظام بدل شده است.

از دیماه ۹۶ همراه با عروج خیزش توده ای علیه رژیم اسلامی ما شاهد مبارزه بی امان علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی بوده ایم؛ نه فقط زنان، بلکه همچنین جنبش دانشجویی مستمرا مساله الغای آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی را در مبارزات خویش طرح کرده اند. استقامت و مقاومت جنبش آزادی زن آوازه این جنبش را در کل جهان پژواک داده است و جنبش آزادی زن در ایران جایگاهی رفیع در سطح جهان یافته است.

جنبش کمونیسم کارگری همواره برای آزادی بی قید و شرط و برابری کامل و واقعی زنان مبارزه کرده است. آزادی زن نزد ما جایگاهی مهم داراست. مساله ستمکشی زن و رهایی زنان در برنامه یک دنیای بهتر بمثابة یک مساله مهم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. لذا حزب کمونیست کارگری ایران- کمونیست خود را گردانی از جنبش آزادی زن می داند و در تمام کنگره هایش به این مساله جایگاهی مهم داده است. پرداختن به مساله زن تحت رژیم اسلامی و تلاش برای آزادی زن بخشی از استراتژی ما برا سرنگونی رژیم اسلامی و سازماندهی یک انقلاب کارگری در ایران است.



واقف بود. زمان این حقیقت را به کل جامعه نشان داد.

## در باره بیانیه مربوط به آزادی و

### برابری زن و مرد ...

تاریخ فعالیت این فعالین اصلاح طلب "حوزه زنان" گدایی از مجلس ارتجاعی اسلامی؛ التماس از حاکمان آدمکشی چون خاتمی و روحانی؛ تلاش برای استقرار برابری در قوانین ارتجاعی اسلامی از جمله دیه برابر برای زن و مرد بوده است. شرم آور است. نام "جنبش حق زن" برای اینها زیادی است. این جنبش به یمن پشتیبانی وسیع رسانه های غربی چون بی بی سی، صدای آمریکا و رادیو فردا و نهادهای حقوق بشری وابسته به دولتهای غربی به جلال و منصب رسید. اینها بر دوش مبارزات زنان در جامعه بالا آمدند و از این نهادهای غربی جایزه گرفتند. به بهانه وجود اختناق در جامعه کوشیدند هر خزعبلاتی را بعنوان دفاع از حق زن بخورد جامعه و جهانیان بدهند. فقط زمانیکه به غرب مهاجرت می کردند (که بسیاری شان از سال ۸۸ به بعد عازم کشورهای غربی شدند) بود که عمق ارتجاع و عقب ماندگی نظراتشان بر همگان عیان شد.

جنبش فمینیسم اسلامی عمرش کوتاه بود؛ اما جنبش به انحراف کشیدن جنبش آزادی زن توسط اصلاح طلبان حکومتی هنوز به حیات خود ادامه داده است. طی دو سال اخیر با عروج جنبش توده ای و کارگری و اعتراضات وسیع مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی برخی از این فعالین از موضع اصلاح طلبی حکومتی به حوزه "رژیم چنجی"ها عزیمت کرده اند. همانگونه که سردمداران این جنبش از قبیل سازگارا و گنجی و نان به نرخ روز خورهای ریز و درشت بتدریج از پشت رژیم اسلامی به جبهه رژیم سابقی ها نقل مکان کردند، فعالین حوزه زنان نیز پشت مردان اصلاح طلبشان عازم شدند.

جنبش ناسیونالیسم پرو غرب طی چهل سال گذشته تحرک و فعالیت چندانی نداشته است. بعضاً درباره "شکوه و جلال" زنان تحت "پدر تاجدارشان" سخن گفته اند. این جنبش همواره دست در دست اصلاح طلبان حکومتی، چهره هایی چون شیرین عبادی، مهرانگیز کار و نیره توحیدی و قس علیها داشته است. طی دو سال اخیر اینها کمی فعالتر شده اند؛ اما باز حرف مشخص و مستقلى ندارند؛ صرفاً از دوران رضا پهلوی تعریف و تمجید می کنند و این مردسالار کبیر را رهایی بخش زنان معرفی میکنند و بازگشت به آن دوران را نوید می دهند.

کمونیسیم کارگری و سازمان آزادی زن همواره با هشیاری جنبش اصلاح طلبی حکومتی را افشاء کرده است؛ همواره کوشیده است که دست اندازهایی که آنها ایجاد می کنند معرفی کند و از آنها جهش نماید. تاریخ جنبش ما تاریخی پر افتخار از فعالیت و دفاع قاطعانه از آزادی بی قید و شرط و برابری کامل و واقعی زنان و افشای تمام دوستان دروغین جنبش آزادی زن بوده است. به یمن وجود چنین جنبشی کار اصلاح طلبان حکومتی تاریخی پیچیده تر شده است و اکنون چهره های رژیم چنجی شان از دست فعالیت های افشاگرانه ما عاصی شده اند.

**کمونیسیت هفتگی:** حضور گسترده و نقش لیدرشیپ و رهبری زنان در بسیاری اعتراضات توده ای و اجتماعات، برای هر ناظر سیاسی امری غیر قابل انکار است. نفس این پدیده اولاً چه تغییری در سیاست ایران و برنامه و تاکتیک جریانات سیاسی ایجاد کرده است و ثانیاً جنبش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر چه برخورد و سیاستی در قبال

صفحه ۱۰

تفکر جامعه و زنان نسبت به خود در مقابل قوانین عقب مانده و حاکمیت ضد زن سخن میگوید. زن در ایران از منظر قوانین در عهد عتیق مانده است و تماماً بیحقوق است، اما در تفکر و منش و فرهنگ و مناسبات اجتماعی و مبارزه برای برابری از بسیاری از کشورهای پیشرفته جلوتر است. افق آزادی زن در ایران بیش از پیش با جنبش رهائیبخش کارگری و سوسیالیستی پیوند خورده است و بعنوان یک رکن جنبش سوسیالیستی برای رفع تبعیض و استیفای برابری عمل میکند.

**کمونیسیت هفتگی:** جنبش های دیگر اجتماعی چه تاثیری بر مبارزه و تحرک زنان برای برابری دارند؟ سیاستهای شبه اصلاح طلبانه و باصلاح فمینیستی - اسلامی و یا سیاستهای پرو غرب و ناسیونالیستی امروز چه اشتراک و افتراقی با افق و سیاستهای کمونیستی و رادیکال دارند؟

**آذر ماجدی:** همراه با انقلاب ۵۷ چندین سازمان زنان توسط زنان چپ و کمونیست پایه گذاری شد. طی سالهای ۶۰ - ۵۷ فعالین این سازمان ها، علیرغم تمام کم و کاستی ها، برای سازماندهی زنان و کسب حقوق زنان مبارزه کردند. با سرکوب خونین جامعه و برقراری یک اختناق خشن و خونین این سازمان ها منحل شدند و فعالیت نیمه علنی جنبش حق زن به پایان رسید. مبارزه زنان بشکل فردی و مقاومت و سرپیچی های فردی ادامه یافت.

همراه با عروج جنبش دو خرداد یک جنبش فمینیسم اسلامی اعلام موجودیت کرد. این جنبش توسط اصلاح طلبان حکومتی و فعالین آنها در "حوزه زنان" شکل گرفت. این جنبش نه برای تحقق حقوق زنان، بلکه برای مقابله با جنبش آزادی زن که عملاً نزد نسل جوان می جوشید، اعلام موجودیت کرد. همانگونه که اصلاح طلبان حکومتی در کل جامعه نقش آرام کردن اعتراض توده ها و نسل جوان را عهده دار شده بودند، فعالین زن آنها نقش ایجاد دست انداز در جنبش برای آزادی زن را بعهده گرفتند. چند نشریه زنان آغاز به انتشار کردند. کار آنها نق زدن و دادن روایتی اصلاح طلبانه از معضلات اجتماعی زنان بود. قرار بود مانع از تعمیق مبارزه و اعتراض شوند. عملاً قصد داشتند سر فعالین و علاقمندان جوان به مساله زن را گرم کنند.

همزمان با سرکوب اصلاح طلبان حکومتی این جنبش نیز ساکت شد. تحلیل های سیاسی ما نقش اصلاح طلبان حکومتی را به روشنی بیان کرده است. ما جایگاه سیاسی - تاریخی اصلاح طلبان حکومتی و جنبش دو خرداد را از همان ابتدا نشان دادیم. تاریخ این تحلیل ما را بخوبی باثبات رساند. جمهوری اسلامی هیچ جایی برای "اصلاح" نداشت. ما بر این امر آگاه بودیم؛ رژیم، شامل هر دو جناح، بر این امر

**آزادی، برابری، رفاه!**

## در باره بیانیه مربوط به آزادی و

### برابری زن و مرد ...

حضور اجتماعی زنان در سیاست بطور اعم و حل تبعیض براساس جنسیت بطور اخص دارد؟

**سیاوش دانشور:** حضور گسترده زنان در قلمروهای مختلف و تحمیل خود به حکومت، مسئله زن را به یکی از شاخص‌های سیاست سراسری بدل کرده است. بعبارت دیگر قدرت این جنبش اجتماعی باعث میشود که از چپ تا راست اپوزیسیون برای مسئله زن طرح و برنامه‌ای داشته باشد. یعنی نمیتوان در ایران کار و مبارزه سیاسی کرد و مثلا در قبال مذهب و مسئله زن بی تفاوت بود. این عملی نیست. در عین حال در این جنبش مانند دیگر جنبشهای توده‌ای گرایش‌ها و خطوط مختلفی وجود دارد. تا به نیروهای اردوی راست جامعه برمیگردد، نهایتا و در بهترین حالت افق برابری حقوقی را در برنامه خود گنجانده‌اند اما همزمان جا را برای مردسالاری و مذهب و نابرابری اجتماعی و اقتصادی باز گذاشته‌اند. راست مذهبی در ایران جایی میان جنبش حقوق زن پیدا نمیکند و کلاً بی ربط به روند اوضاع است. اما راست سکولار و پرو غرب با طرح برابری حقوقی و حقوق بشر و کنوانسیون حقوق زن سازمان ملل، تلاش دارد حقوق زن را با مقتضیات و نیازهای بازار وفق دهد و و چهارچوبهای فرهنگی شرقی را در خدمت نابرابری زن و مرد بازتولید کند.

مبارزه با تبعیض و نابرابری برای جنبش کمونیسیم کارگری و رادیکالیسم سوسیالیستی طبقه کارگر امری قائم بذات است. جنبش سوسیالیستی نقد به تبعیض و نابرابری را از حیثه قوانین اسلامی و بحث برابری حقوقی فراتر میبرد و چرایی تداوم ستم براساس جنسیت را در سرمایه داری امروز توضیح میدهد. تردیدی نیست که ستم بر زنان با تاریخ مکتوب بشر عجین بوده و با سرمایه داری شروع نمیشود. اما این تاریخ عتیق هرچه بوده و هر سنت کثیفی را برای ما به ارث گذاشته است، امروز قرنهاست که در دنیای سرمایه داری زندگی میکنیم. میدانیم که سنتهای بسیار جان سخت تر و هرچه که سد راه گسترش بازار و سود سرمایه بوده است کنار زده شده است. لذا دلیل تداوم ستم بر اساس جنسیت را باید در همین امروز و در نیازهای سرمایه داری معاصر جستجو کرد. اگر هنوز و علیرغم مبارزات جنبشهای پیشرو، ستم بر زن و نابرابری زن و مرد یک واقعیت زشت دنیای امروز است؛ باید منفعتی روشن در نظام اقتصادی - اجتماعی امروز یعنی سرمایه داری داشته باشد.

واقعیت اینست که ستم بر زن یک رکن انباشت سرمایه است. از کار خانگی تا تر و خشک کردن کارگر خسته‌ای که باید فردا سر کار برگردد، از تولید نسل جدید کارگر برای بازار و تربیت در مکانیسم خانواده بعنوان یک واحد اقتصادی مهم جامعه موجود، همه جزو مخارج سرمایه است. همه جزئی از هزینه‌ای است که باید سرمایه برای گرداندن چرخ تولید و بازتولید نیروی کار پرداخت کند. نظام سرمایه داری به تقسیم جنسی انسان‌ها در قلمرو تولید تا ایجاد شکاف در میان طبقه کارگر و تقسیم طبقه به بخشهای مختلف محروم و محروم‌تر و اشاعه عقاید کهنه

پرستانه و ارتجاعی به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرند. سود انجیل و قانون اساسی سرمایه است. همین ضرورت بازتولید و بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. برخلاف دیدگاههای سطحی رایج فمینیستی و رفرمیستی، زن ستیزی مسئله‌ای صرفا فرهنگی و اخلاقی و اسپگرا نیست، بلکه مسئله‌ای اقتصادی و اجتماعی است. زن ستیزی به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقا به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری‌اند و توسط دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار بازتولید میشوند. برای جنبش ما مبارزه برای بهبود و تغییر قوانین به نفع زنان فوری و حیاتی است. ما کمونیستها و فعالین جنبش آزادی زن در صف اول هر مبارزه برای بهبود قانونی حقوق و حرمت زنان هستیم. در عین حال بین هر تغییر و اصلاحی به نفع زنان رابطه روشنی با نفی ریشه ستم بر زن در جامعه طبقاتی امروز برقرار میکنیم. اساس این نظام بر تبعیض و نابرابری و بهره‌کشی فرد از فرد مبتنی است و ستم بر زن در جامعه و در خانواده یک رکن نظام استثمارگر سرمایه داری است. برای آزادی و رهائی کامل زنان باید ریشه این نظام را زد.

**کمونیسیت هفتگی:** سازماندهی در قلمرو مبارزه برای برابری زن و مرد در شرایط امروز چه اشکالی بخود میگیرد؟ حزب و سازمان آزادی زن چه سیاستی را دنبال میکنند؟

**آذر ماجدی:** وجه سازماندهی جنبش‌های اعتراضی در شرایط سرکوب و اختناق همواره از پیچیده‌ترین مسائل مبارزه سیاسی انقلابی است. این سوالی نیست که بتوان به آسانی و فرمول وار پاسخ گفت. قطعاً چهارچوب کار روشن است، اما این وظیفه رهبران عملی و فعالین محلی است که این چهارچوب کلی را به اجزاء ریزتر ترجمه کنند. روشن است که سازماندهی و سازمانیابی یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت سیاسی است. ما از خارج کشور و از محیط تبعید تنها می‌توانیم چهارچوب را تعیین کنیم.

بطور نمونه تشکیل شوراهای و مجامع عمومی در محیط کار و زیست یک اصل مهم است. اما تا چه میزان می‌توان در هر شرایطی آنرا پیاده کرد بستگی به توازن قوای محلی و توانایی رهبران عملی و فعالین محلی دارد. تشکیل هر گونه سازمان برای مبارزه برای حقوق زنان امری مهم و مثبت است. ایده آل است اگر بتوان سازمان آزادی زن را در ایران تشکیل داد و اعلام نمود. چه زمانی این امر مقدور می‌شود؟ این سوالی مهم و اساسی است. فعالین جنبش آزادی زن باید برای این امر بکوشند و زمانی که آنرا ممکن و مقدور دیدند، دست بکار شوند. اما تا تشکیل سازمان آزادی زن در ایران ایجاد حوزه‌ها و جمع‌های مختلف برای حقوق زنان کاملا عملی است.

هم اکنون فعالین بسیاری علیه حجاب مبارزه می‌کنند و بسیاری در زندان اسیراند. مبارزه علیه آپارتاید جنسی بهمین شکل. یک وجه بسیار جالب توجه جامعه ایران وجود و حضور زنان فعال در تمام عرصه‌های مبارزه و در تمام جنبش‌های اجتماعی است. همین امر بخوبی درستی و حقیقت این تز کمونیسیم کارگری که "موقعیت دوفالکتوی زنان در ایران با موقعیت قانونی و رسمی آنها بسیار متفاوت است" را به اثبات می‌رساند.

## در باره بیانیه مربوط به آزادی و برابری زن و مرد ...

این سالها شاهد بوده ایم و هر روز گسترش می یابد، یک سرمایه عظیم سیاسی است. این جنبش باید در اشکال حزبی و توده ای متشکل شود و بعنوان یک نیروی اجتماعی هر جریان سیاسی را برای اهداف خود زیر فشار بگذارد. به نظر من رابطه این جنبش رادیکال و برابری طلب با هر جریانی که مدعی حقوق و آزادی زن است باید بر اساس رابطه آن جریان با خواسته ها و افق این جنبش تنظیم شود. شما نمی توانید برای الغای آپارتاید مبارزه کنید و همزمان با جریاناتی که اسلام هنوز جانی در تفکر و سیاست شان دارد همسوئی و همکاری داشته باشید. شما نمیتوانید علیه تبعیض و نابرابری باشید و همزمان با نیروهائی که خواهان بازتولید و مرمّت تبعیض و نابرابری هستند دست همکاری بدهید. شما نمیتوانید از حقوقی جهانشمول و انسان محور و برابر و سوسیالیستی حرف بزنید اما در مقابل هویت‌های کاذب قومی و ملی و عشیره ای و تبدیل نیروی زنان و کارگران به زیر مجموعه جریانات ارتجاعی سکوت کنید یا انتقادی نباشید.

جنبش آزادی زن در ایران این پتانسیل را دارد که قالب قدیمی سیاست بورژوائی و مردسالار را عملاً منسوخ کند. این جنبش پتانسیل اینرا دارد که الگویی برای آزادی زن و رهائی از مذهب در منطقه باشد. این جنبش بعنوان یک رکن مبارزه سوسیالیستی برای آزادی و رهائی جامعه میتواند و باید افقهای محدود و قالبهای سنتی را درنوردد و توقع اجتماعی رادیکالی را به سیاست ایران تحمیل کند. نباید به هیچ نوع سازشی تن داد، نباید به هیچ ملاحظه مذهبی و ملی و میهنی واقعی گذاشت، هر چه که با برابری و آزادی و رفع تبعیض در تناقض است، علیه زنان و علیه جامعه است. جنبش آزادی زن و کمونیسیم ایران میتواند کاری کند که آزادی زن به یک معیار واقعی و یک تعریف آزادیخواهی در جامعه بدل شود. این امر تا حدودی محقق شده است اما برای تحقق کامل آن باید از افقهای محدود و راست و رفرمیستی که نابرابری را بازتولید میکنند فراتر رفت و ریشه تبعیض و نابرابری در جامعه را که در خانواده و قانون و مناسبات اجتماعی و رابطه زن و مرد منعکس میشود، را خشکاند.\*

مساله اینجاست که باید در هر شکل ممکن متشکل شد و سازمان یافت. باید دور هم جمع شویم و با هم نظری و تبادل نظر به یک افق جمعی دست یابیم. باید بکوشیم برای آزادی زندانیان سیاسی متشکل و متحد مبارزه کنیم. در دانشگاه، مدارس، محیط کار و در محلات باید فعالین جنبش آزادی زن تلاش کنند مستعدین را دور هم گرد آورند و به آن سازمان دهند. این جمع ها در شرایط اعتراضات می توانند با آمادگی به اعتراضات بپیوندند و شعارهای مربوط به آزادی و برابری زنان را طرح کنند. شعار نویسی بر دیوار؛ تهیه شب نامه و اعلامیه که مسائل مربوط به جنبش آزادی زن و اوضاع سیاسی جامعه را باز می کند؛ تشکیل جلسات کوچک و بزرگ که در آن درباره این مسائل بحث می شود و رفته رفته ایجاد یک هویت سازمانی و متحد فعالیت هایی است که در این شرایط مقدور و ممکن است.

**کمونست هفتگی:** خیزش آبانماه نود و هشت بیش از پیش حضور زنان را در کشمکش با حکومت اسلامی نشان داد. این جسارت و پتانسیل انقلابی را چگونه باید به نیروئی قدرتمند و آگاه به منافع خویش بدل کرد؟ از چه باید اجتناب کرد؟

**سیاوش دانشور:** امروز در تقابل جامعه با جمهوری اسلامی یک آگاهی اجتماعی وسیع شکل گرفته است و یک توقع از خود و آینده در جامعه موج میزند. زنان از بازیگران مهم سیاست در جامعه هستند و نسل جدید و انقلابی بویژه هیچ بدهی ای به حکومتی ها و جریانات دست راستی ندارد. این جسارت انقلابی و نقش رهبری زنان که طی

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در محکومیت صدور حکم اعدام هوشمند علیپور

هوشمند علیپور فعال سیاسی که دو سال پیش توسط نیروهای جمهوری اسلامی دستگیر شد، بعد از تحمل دو سال زندان اکنون از طرف جانینان اسلامی به اعدام محکوم شده است. میخاوهندهوشمند علیپور را اعدام کنند تا چند صباحی دیگر به عمر ننگین خود ادامه دهند، حکم جانینان قوه قضاییه نه از سر قدرت که نشانه ضعف و درماندگی آنها از خیزشی است که از اعماق جامعه برخاسته است.

ایجاد رعب و وحشت و زهر چشم گرفتن از مردمی که حکم رفتن این حکومت جنایتکار را صادر کرده اند یکی از اهداف همیشگی اعدامهای فله ای در رژیم اسلامی است. چه اعدام افراد با پرونده های سیاسی چه اعدام کسانی که با جرایم مختلف اجتماعی دستگیر و زندانی میشوند يك هدف را دنبال میکند، خفه کردن صدای انسانهای معترضی که دیگر نمیخواهند به هر ذلت و نابرابری تن بدهند. جمهوری اسلامی اما دیگر با ایجاد ارباب و کشتار و پروژه های ساختگی اعترافگیری و تحت فشار قرار دادن خانواده ها هم نمیتواند به حکومت ننگین خود ادامه دهد. این تلاشهای مذبحخانه دیگر نمیتواند جوابگوی مردم به جان آمده از ظلم و ستم بیش از ۴ دهه باشد. مردم معترضی که سالهای سال فقر و فلاکت و بیحقوقی را تجربه کرده اند بعد از خیزش آبانماه دیگر از میدان بدر نمیروند و عرصه را برای یکه تازی رژیم هار اسلامی خالی نخواهند کرد.

کمیته کردستان حزب کمونست کارگری- حکمتیست از مردم آزادیخواه کردستان میخواهد علیه حکم اعدام هوشمند علیپور فعال سیاسی اعتراض کرده و اجازه ندهند جمهوری اسلامی در سکوت رسانه ای و در خفا جنایت دیگری را به کارنامه سیاه حاکمیتش بیفزاید.

مردم مبارز کردستان! انزجار و اعتراض خود را به هر طریق ممکن علیه حکم اعدام هوشمند علیپور اعلام کنید. خانواده وی را تنها نگذارید و در کنارشان علیه این جنایت اشکار بیاستید.

کمیته کردستان حزب کمونست کارگری- حکمتیست

دی ماه ۱۳۹۸

اعلامیه حزب حکمتیست در باره،

## مضحکه انتخابات مجلس اسلامی

### "انتخابات" رژیم را با اعتراض گسترده درهم بکوبیم!

می‌کنند. دو سال پس از خیزش توده ای دیماه و اکنون پس از قیام آبانماه و حمام خونی که این رژیم جنایتکار براه انداخت، هر ذره امید را به اینکه بتوان مردم را پای صندوق ها کشاند به ناامیدی بدل شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه ایران را فرامیخواند که نمایش "انتخابات" مجلس جنایتکاران را به اعتراضی گسترده و میلیتانت علیه بنیادهای حکومت اسلامی بدل کنیم. نه فقط به رژیم قاتلین فرزندانمان آگاهانه رای نمیدهیم و آنرا برسمیت نمی‌شناسیم، بلکه هدفمان را باید اعتراض تند و جمع کردن هر کمپین "انتخاباتی" در محلات و حوزه‌های انتخابی در هر شهر و روستا بگذاریم. اولاً، باید به کسانی که برای این سفره خون ثبت نام کرده اند هشدار داد و معنی کارشان را بعد از کشتار آبانماه به آنها فهماند. ثانیاً، اجازه نباید داد که کارنوال انتخاباتی راه بیاندازند، تریبون بگیرند و چرند بگویند و به زخم مردم نمک بپاشند. هر تحرک "انتخاباتی" را به تعرضی قاطع تبدیل کنیم. این ابواب جمعی رژیم اسلامی هستند که روی خونهای ریخته شده راه میروند و برای نمایندگی حکومت سرکوبگران و شکنجه گران و مجلس قاتلین کاندیدا میشوند. ما این وقاحت را نباید تحمل کنیم و تحمل نمیکنیم. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به اعتراض سراسری با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" در این روز فرامیخوانیم. اینها در موضع انتخاب شدن نیستند بلکه باید بعنوان متهمین به جنایت و کشتار جمعی مردم ایران پشت میز محاکمه نشانده شوند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ آذر ۱۳۹۸ - ۱۹ دسامبر ۲۰۱۹

جمهوری اسلامی میخواهد مضحکه انتخابات مجلس یازدهم را در دوم اسفند برگزار کند. این باصطلاح "انتخابات" قرار است روی سنگفرش‌های خونین آبانماه، روی دوش هشت هزار بازداشتی تحت شکنجه، روی تلی از اجساد ترورهای سیاه و داغ سنگین بازماندگان جانبختگان و مردم آزادیخواه ایران برگزار شود. کمترین انتظار اینست که نگذاریم این نمایش فریب، این مناسک اسلامی که هدفش تائید نظام و شلیک‌ها و سرکوب‌هاست، برگزار شود. نباید اجازه دهیم خامنه ای و روحانی و شرکا از مردم قربانی با "رای" حتی بصورت فرمال کسب "مشروعیت حقوقی" کنند و آنرا وثیقه سرکوب جامعه از یکسو و لغت و لیس حکومتی از سوی دیگر کنند. در دیماه گفتیم؛ "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا!" در آبانماه آمدیم که ماجرا را تمام کنیم. کسی که انتظار دارد مردم در "انتخابات" شرکت کنند، اگر همدست خامنه ای‌ها نباشد، بدون تردید با آنها منفعت مشترکی دارد. کسی که می‌رود "رای" میدهد، خواسته یا ناخواسته، به حکومت قاتلین فرزندان مردم "رای" میدهد!

اگر طی دو دهه اخیر مضحکه انتخاباتی فرصتی بود برای رژیم اسلامی تا با زور و فریب و دروغ بخشی از مردم را به پای صندوق‌ها بکشاند و طی کمپین "انتخاباتی" توجه‌ها را از ریشه مصائب و فلاکتی که جامعه را فراگرفته تا حدودی منحرف کند؛ اکنون این مضحکه بد جوری گریبان‌شان را گرفته است. بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی تحت فشار خیزش توده ای و مبارزات طبقه کارگر چرخش موضع داده و به جریان راست رژیم چنجی پیوسته اند. در میان خالصین و مخلصین نظام، کسانی که در تمام جنایات این رژیم شریک و سهیم بوده اند، و با هدف نجات نظام به جناح اصلاح طلبان حکومتی پیوستند، از جمله خاتمی، کروی و موسوی از سوراخ بیرون آمده و ضمن دفاع از "انتخابات" نگرانی‌شان را از سرنوشت رژیم بیان

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

گمونیست

زنده باد سوسیالیسم!